

افزایش هوش مالی

به روش رابرت کیوساکی (بخش چهارم)



گروه میلیاردر جوان

www.miliarder.com

آموزش ثروت آفرینی

تماس با ما:

info@miliarder.com

miliarderha@yahoo.com

همگی مردم دنیا چه فقیر و چه ثروتمند مشکل مالی دارند. بسیاری فکر می کنند اگر پول زیادی داشته باشند مشکلات مالی آنها تمام می شود در حالیکه اینطور نیست و پول بیشتر مسائل مالی بیشتری را به دنبال دارد. پول، تحصیلات، داشتن یک شغل و... مشکلات مالی را برطرف نمی کند. بلکه این ((هوش مالی)) است که مشکلات مالی را برطرف می کند. گروه میلیاردر جوان در راستای رسالت خویش که آموزش ثروت آفرینی برای کلیه هموطنان می باشد مجموعه ((افزایش هوش مالی به روش رابرت کیوساکی)) را در پنج کتاب الکترونیکی آماده کرده است که می توانید آن را از سایت گروه و یا دیگر سایتهای معتبر دانلود کتاب، دانلود کنید. این مجموعه برداشتی بومی شده از کتاب معروف رابرت کیوساکی به نام ((هوش مالی خود را افزایش دهید)) می باشد. دوستان گرامی! چنانچه این کتاب ها را موثر یافتید آنها را برای دیگر دوستان نیز به اشتراک بگذارید تا فرهنگ ثروت آفرینی در کشور گسترش یابد.

هر شخصی بتواند روند حرکتی بازارهای مختلف را بشناسد و تشخیص دهد چه زمانی دوران رکود است و چه زمانی رونق آن بازار نزدیک است می تواند سود های بسیار خوبی از هر بازار بگیرد .

در شناخت روند قیمتی بازارها، به غیر از شناخت روند حرکتی با استفاده از آمار و اطلاعات چندین سال گذشته، تجربه کردن اتفاقات رخ داده شده در بازار می تواند شناخت بسیار خوبی در این مسیر به یک سرمایه گذار بدهد. همه ما گاهی شنیده ایم که انسانهای خبره در یک بازار خاص، می گویند ما خاک بازار را خورده ایم. منظور آنها این است که فراز و فرود بازار را دیده اند. بازارها هیچ وقت دائمادر حال رونق یا دائما در حال رکود نیستند بلکه هر بازار برای خود سیکل حرکتی مشخصی دارد که فقط با یادگیری و تجربه کردن می توان به نحوه حرکت قیمتها و دوران رونق و رکود بازارها پی برد.

این نکته را مد نظر داشته باشیم که روند حرکتی و مدت زمان بین دوران رونق و رکود در هر بازار با بازار دیگر متفاوت است. به این معنی که فاصله زمانی بین دوران رونق و رکود بازار طلا با فاصله زمانی فراز و فرود بازار املاک و مسکن متفاوت است.

بازارهایی مانند طلا و ارز بازارهایی بسیار پرنوسان و در نتیجه پرریسک هستند . سود بردن از نوسان در این بازارها نیازمند یادگیری تحلیلهای مختلف و همچنین شناخت روند بازار است ولی آنچه مسلم است این است که سرمایه گذاری با استراتژی بلند مدت می تواند بازدهی خوبی در بازار طلا داشته باشد. البته این نکته به زمان و قیمت خرید نیز بستگی دارد.

نکته ای که رابرت کیوساکی به آن اشاره و تاکید می کند این است که: هر چه یک سرمایه گذاری دشوارتر باشد نیاز به اطلاعات بیشتری در گرایش عمومی مردم وجود دارد. او می گوید یک سرمایه دار زیرک می داند چگونه گرایشات را دنبال کند تا به قیمت پائین بخرد و به قیمت بالا بفروشد .

این نکته، نکته بسیار مهمی است که قبلا هم به آن اشاره شده است. در کشور ما معمولاً این اصل برعکس اتفاق می افتد و اکثر مردم چون با مطالعه و برنامه ریزی سرمایه گذاری نمی کنند وقتی قیمت ها صعودی است در صفهای خرید هستند و وقتی قیمتها نزولی است در صفهای فروش قرار دارند.

بررسی چگونگی رفتار ثروتمندان و فقرا در زمینه سرمایه گذاری

همانطوریکه عنوان شد اکثر قریب به اتفاق مردم جهت سرمایه گذاری دنباله رو همدیگر می باشند. این دنباله روی کورکورانه اگر بصورت مقطعی به سود هم ختم بشود موجب آگاهی پایدار در این فرد نمی گردد چرا که سوار بر موج بازار توانسته است از جهش قیمت استفاده کند و همانطوریکه شاهد بوده ایم با یک تصمیم، اتفاق و یا حتی یک مصاحبه جهت بازار دچار دگرگونی شده و می تواند منجر به ضررهای هنگفت نیز گردد. بعبارت فردی که بنا به تبعیت از رفتار دیگران، بدون آگاهی و دانش لازم وارد یک بازار شده و سود بدست آورده است، اغلب خود را یک سرمایه گذار حرفه ای قلمداد کرده و بدنبال کسب آگاهی لازم برای سرمایه گذاری نخواهد رفت و همین نکته می تواند موجب زیانهای هنگفتی در آینده سرمایه گذاری آن فرد گردد.

افرادى که در سرمایه گذاری و بطور کلی در تصمیم گیریهای مالی دنباله رو دیگران هستند، افرادی فاقد آگاهی و دانش کافی برای بررسی و تحلیل پارامترهای مالی برای گذشته، حال و آینده آن سرمایه گذاری و تصمیم گیری صحیح هستند.

دلیل ایجاد حباب در بازارهای مختلف بصورت دوره ای نیز نوع تصمیم گیریهای مالی همین افراد است که به نوعی با سیاستهای اقتصادی دولت و یا بحرانهای مقطعی همراه میشود. به این معنی که نقدینگی بسیار زیادی که در دست عامه مردم وجود دارد، بدلیل عدم هدایت صحیح آن به سمت تولید و یا سرمایه گذاری مولد، به سمت بازارهای پرنوسان طلا و ارز و یا املاک و مستغلات و یا... حرکت می کند و باعث ایجاد حباب می شود.

وقتی بازاری به این سمت می رود جدا از پارامترهای تاثیر گذار هر بازار ، افزایش تقاضا نیز یک پارامتر محرک و ویرانگر می شود و تاثیر آن ، ناامنی روانی در زندگی همه افراد اجتماع خواهد بود.

نکته حائز اهمیت این است که سرمایه گذاران حرفه ای در این بازارها، بدلیل آگاهی‌شان از روند بازارها ، هوش مالی ، مطالعات و تحلیل و تجربه ای که دارند، نوع تصمیم گیریشان برای سرمایه گذاری با عامه مردم متفاوت است و آنها هستند که حتی با سرمایه ناچیز برنده واقعی بازار هستند و خواهند بود.

سرمایه گذاران حرفه ای یا همان برندگان بازار دقیقا در نقطه مقابل عامه مردم حرکت می کنند. عموماً آنها وقتی سرمایه گذاران غیرحرفه ای در حال فروش هستند می خرند و وقتی سرمایه گذاران غیرحرفه ای در حال خرید هستند آنها در نقطه اوج بازار می فروشند.

این نکته باعث می شود که سرمایه گذاران حرفه ای بدلیل دانش و مطالعات بالا و احاطه شان به بازارهای داخلی و بین المللی و تحلیلهای مداومی که انجام می دهند سود های کلانی را در هر بازار بدست آورند.

سرمایه گذاران حرفه ای ، نشانه های بازار را بخوبی می شناسند. روند بازارهای پرنوسان و پارامترهای موثر بر آن را بخوبی می شناسند و با آگاهی و با کمترین ریسک ممکن سرمایه گذاری می کنند. رابرت کیوساکی در کتاب خود به آنها پرندگان شکاری امور مالی می گوید.

نکته بسیار بسیار مهمی که هموطنان ما باید به آن توجه داشته باشند این است که آنچه باعث ثروتمند شدن میشود دارائی نیست بلکه میزان دانش و روند بدست آوردن دارائی است که می تواند موجب ثروتمند شدن یا فقیر شدن بشود. دانشی که باید برای بدست آوردن آن هزینه کرد. این هزینه ها ، هم هزینه های مالی و هم هزینه های زمانی خواهد بود.

سرمایه گذاری در املاک یا سرمایه گذاری در طلا هر کدام اطلاعات و هوش مالی منحصر به خود را می خواهند. بنابراین در پاسخ سؤال کسانی که می پرسند کدام سرمایه گذاری بهتر و سود آن بیشتر است باید گفت بستگی به دانش شما دارد. این سرمایه گذاری یا دارائی نیست که به شما سود می رساند بلکه دانش تحلیل اطلاعات هر بازار است که موجب افزایش یا کاهش ثروت می شود.

بسیاری از کسب و کارها بدلیل فقدان اطلاعات و هوش مالی کافی است که ورشکست می شوند نه بدلیل نداشتن سرمایه کافی. بنابراین پارامتر اول، دوم و سوم در موفقیت یا شکست یک سرمایه گذاری، داشتن یا نداشتن سرمایه نیست بلکه داشتن یا نداشتن دانش مورد نیاز است. بدون سرمایه و با دانش کافی، امکان موفقیت بسیار بیشتر از زمانی است که سرمایه به اندازه وجود داشته باشد ولی دانش کافی وجود نداشته باشد.

وقتی دانش مالی (هوش مالی) بالا برود این درک بوجود می آید که مثلاً قیمت طلا، ارتباطی به ارزش آن ندارد بلکه نشانه های بازار (گرایشات) و میزان عرضه و تقاضاست که قیمت جهانی طلا را تعیین می کند و نرخ جهانی به همراه نرخ برابری ارز هر کشور در برابر دلار است که تعیین کننده قیمت محلی طلا است. و اینکه چگونه بتواند تحلیل و پیش بینی کند که نقطه فراز و فرود بازار چه زمانی است.

این هوش مالی است که به شما قدرت پیش بینی آینده و صحت این پیش بینی را می دهد چرا که گستره دید شما را افزایش می دهد. این هوش مالی است که به شما قدرت انتخاب بهترین استراتژی در یک کسب و کار را می دهد و این هوش مالی است که در بحرانها می تواند عامل نجات یک کسب و کار یا یک سرمایه گذاری شود.

تحلیل و پیشبینی آینده بازار و سیکل رفتاری هر بازار و بطور کلی درک بازار، فقط با افزایش هوش مالی امکان پذیر است. افزایش هوش مالی نیز جز با یادگیری مستمر حاصل نمی شود و جالب این است که عامه مردم از این نکته مهم غافلند. آنها در معرض انواع و اقسام اطلاعات مورد نیازشان هستند و اطلاعات خام مورد نیاز به رایگان در اختیارشان قرار دارد ولی از درک و تحلیل اطلاعات و پارامترهای تاثیر گذار عاجزند. آنها یادگیری را بدلیل

عدم تشخیص نیاز به یادگیری و یا تنبلی و دلایل دیگر پیگیری نمی کنند در حالیکه شاهراه دستیابی به موفقیت می تواند یادگیری باشد.

کمال پول

تعریف هر کس از واژه کمال، ممکن است با تعریف شخص دیگر متفاوت باشد ولی در فرهنگ لغات وبستر سه تعریف برای آن آمده است:

۱-صحت: یک موقعیت غیر معیوب

۲-انحراف ناپذیری: تبعیت از یک سری قوانین و ارزشها

۳-تکامل: کیفیت یا مرحله کامل بودن

منظور کیوساکی از مطرح کردن این بحث، لزوم یکپارچگی است. او یکپارچگی اجزاء سیستم یک ماشین را مثال می زند و می گوید اگر بین سیستم ترمز، سوخت، برق، هیدرولیک و ... یکپارچگی وجود نداشته باشد ماشین کار نخواهد کرد.

و یا اگر سیستمهای مختلف بدن انسان مانند خون رسانی، تنفسی، عصبی و ... بصورت یکپارچه و در هماهنگی کامل با یکدیگر حرکت نکنند فرد یا دچار بیماری است و یا می میرد.

او با ذکر این مثالها به ما می گوید ثروت هم می تواند بدلیل فقدان یکپارچگی تهدید شود. به جای بیماریهای ناشی از عدم یکپارچگی کارکرد اجزاء بدن، عدم یکپارچگی مالی می تواند موجب درآمد پائین، مخارج بالا، بدهی، ورشکستگی و تبعات ناشی از آنها مانند ارتکاب جرائم، خشونت، افسردگی، ناامیدی و ... گردد.

در قسمتهای قبلی در مورد پنج هوش مالی مورد تاکید رابرت کیوساکی بحث شد. این پنج هوش عبارتند از:

۱- هوش بیشتر پول درآوردن

۲- هوش محافظت از پول خود

۳- هوش بودجه بندی پول خود

۴- هوش تقویت پول خود

۵- هوش بهبود اطلاعات مالی

اگر کسی بخواهد ثروتمند شده و ثروتمند بماند باید یکپارچگی لازم را بین پنج هوش بالا ایجاد کند. عدم یکپارچگی حتی یکی از پنج هوش بالا با دیگر هوشها، نتیجه لازم را ایجاد نخواهد کرد. وقتی کسی در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلات مالی است یک یا چند هوش این فرد یکپارچگی لازم را ندارند.

جالب اینجاست که اینگونه افراد مشکلی را هم از این ناحیه احساس نمی کنند و فکر می کنند این روال عادی زندگی است و یا قسمتشان بوده که اینگونه زندگی کنند و همیشه از اینگونه توجیحات برای فریب خود دارند. آنها ترجیح می دهند بجای اینکه بررسی کنند و ایراد کارشان را پیدا کنند اتفاق رخ داده شده را به مسائل ماورا طبیعت و... ربط دهند و نیاز و علاقه ای هم به یادگیری علم و اطلاعات مورد نیاز را نیز در خود احساس نمی کنند. متأسفانه اینگونه افراد اکثریت غالب جامعه را تشکیل می دهند.

کارنامه مالی

بسیاری از افراد گزارشهای مالی شخصی در مورد درآمدها و هزینه هایشان ندارند. آنها نمی دانند از نظر مالی در چه جایگاهی هستند. کدام قسمت کارشان ممکن است اشتباه باشد و اینکه آیا یکپارچگی مالی دارند یا نه. بدون گزارش مالی صحیح و پنج هوش مالی، تعیین اینکه کدام موارد (درآمدها و هزینه ها و...) نادرست بوده و نیاز به اصلاح دارد کار سختی می باشد. نداشتن یکپارچگی مالی از جایی آغاز می شود که یک فرد گزارش مالی و یا کارنامه مالی ندارد.

البته این عدم یکپارچگی از مدارس شروع می شود. جایی که باید آموزشهای مالی به کودکان و نوجوانان داده شود و داده نمی شود.

دادن آموزشهای مالی در مدارس و آگاهی بخشی در این خصوص تاثیر بسیار بارزی در اقتصاد فردی و ملی و حتی جهانی خواهد گذاشت و دلیل اینکه چرا آموزشهای به این مهمی در مدارس به دانش آموزان داده نمی شود را باید از مسئولین مربوطه پرسید.

کسانی که آموزشهای مالی را دیده باشند به خوبی می دانند که مازاد درآمدها را چه کنند. وام گرفتن توسط آنها بسیار حساب شده است. اینکه در چه مقطعی چه وامی بگیرند و آیا هزینه وام توجیه گرفتن وام را دارد یا نه و اینکه ارزش فعلی وام نسبت به ارزش آتی آن مقرون به صرفه است یا نه و... از جمله مسائلی است که افراد آشنا با مسائل مالی به خوبی از عهده محاسبه و حل آنها بر می آیند.

رابرت کیوساکی در این خصوص می گوید: فقدان آموزش مالی در مدارس یکپارچگی مالی در کل دنیا را تحت تاثیر قرار داده است.

فقدان یکپارچگی مالی

وقتی فردی فاقد یکپارچگی مالی باشد اتفاقات مالی زیادی ممکن است برایش بیفتد. بدهی زیاد، نداشتن بودجه بندی درست برای درآمدها و نیازها، عدم تطابق دخل و خرج، عدم تصمیم گیری به هنگام و صحیح و نهایتاً ورشکستگی مالی.

اگر هر فرد برای کلیه فعالیتهای مالی خود گزارش مالی تهیه کند و توانایی تحلیل آنها را داشته باشد می تواند علت مشکلات مالی ایجاد شده را پیدا کند. به عبارتی تحلیل یک گزارش مالی صحیح می تواند نقاطی را که باعث عدم

یکپارچگی مالی شده است را شناسائی کند و فرد با آگاهی از آن نسبت به جبران آن و ایجاد یکپارچگی مالی برآید.

وارن بافت یکی از ثروتمندترین مردان دنیا که نحوه عملکردش الهام بخش بسیاری از مردم دنیا بوده است، در سرمایه گذاری روش خاص خود را دارد. او معتقد به تقسیم سرمایه نیست. او به این جمله که ((تمام تخم مرغهای خود را در یک سبد نگذارید)) هیچ اعتقادی ندارد. برعکس او معتقد است کسانی که به این جمله معتقدند بدلیل فقدان دانش کافی است که این جمله را سرلوحه سرمایه گذاریهای خود قرار می دهند.

این جمله شاید در کشور ما که به نوعی امکان برنامه ریزی مشخصی برای آینده یک سرمایه گذاری وجود ندارد و شاخصها و پارامترهای اقتصادی با یک خبر یا یک مصاحبه به کل دستخوش تغییر می شوند ممکن است کاربرد داشته باشد و افراد بتوانند با تقسیم سرمایه شان در بازارهای مختلف و برابند سود و زیانهای آنها از کاهش ارزش دارائی هایشان جلوگیری کنند.

وارن بافت چگونه سرمایه گذاری می کند؟

وارن بافت در سرمایه گذاریهایش همیشه بر روی شرکتی سرمایه گذاری می کند که صورتها و اسناد مالی آن را دارای یکپارچگی مالی بداند. رابرت کیوساکی این یکپارچگی مالی را ((ارزش ذاتی)) نامیده است.

به بیان دیگر وارن بافت برای تشخیص سرمایه گذاری در یک شرکت خواهان پاسخ به سئوالات زیر است:

۱- آیا این شرکت می تواند پول بیشتری در بیاورد؟

۲- آیا این شرکت یک موقعیت خوب و محافظت شده دارد؟

۳- آیا این شرکت دارای بودجه بندی صحیحی می باشد؟

۴- آیا این شرکت امکان توسعه و گسترش و تقویت بیشتری دارد؟

۵- آیا این شرکت دارای مدیریت هوشمند و آگاهی هست؟

وارن بافت با پاسخی که برای این سؤالات می یابد تشخیص می دهد که آیا آن شرکت دارای یکپارچگی مالی و ارزش ذاتی هست و یا نیست. اگر شرکتی را دارای یکپارچگی مالی تشخیص دهد بر روی آن سرمایه گذاری می کند و سهام آن را می خرد. و در غیر اینصورت حتی با داشتن قیمت مناسب نیز بر روی آن شرکت سرمایه گذاری نمی کند.

برای روشن شدن برخی از سؤالاتی که ممکن است دارای ابهام باشند برخی از پارامترهای گفته شده در بالا را مورد بحث قرار می دهیم.

داشتن موقعیت خوب و محافظت شده:

منظور از این نکته این است که آیا این شرکت دارای مزیت رقابتی هست یا نه. آنچه که برای شرکتها در شرایط مختلف اقتصادی می تواند موجب دوام و حتی رشد شود داشتن مزیت یا مزیت‌های رقابتی است. مزیت رقابتی در هر شرایطی می تواند منجر به ساختن پول شود.

داشتن یک نام تجاری (برند) معتبر و با سابقه خوب یک مزیت رقابتی محسوب می شود که تا حدودی می تواند تضمین کننده فروش حتی در شرایط بد اقتصادی باشد.

داشتن توانائی تقویت :

منظور از توانائی تقویت برای یک کسب و کار این است که کسب و کار بتواند با ارائه خدمات یا محصول جدید در بهترین زمان ممکن موجب جهش و رشد خود شود. این پارامتر برای کلیه کسب و کارهای کوچک و بزرگ یک پارامتر حیاتی است و اگر یک شرکت یا یک کسب و کار نتواند این توانائی را در خود ایجاد کند دوام زیادی نخواهد آورد.

تغییر نگرش سنتی به نگرش سیستمی و فرایندی می تواند منجر به تعاریف جدیدی در یک شرکت گردد از جمله تغییر در استراتژی یک شرکت برای تولید یک محصول یا خدمت جدید، بازاریابی مناسب و فروش بهینه با رعایت پارامترهای مهم هر کدام می تواند منجر به تقویت یک کسب و کار شود و فقدان کارائی در هر فرایند ، عملاً فرایند بعدی را دچار مشکل کرده و مانع از نتیجه گیری مورد انتظار می شود.

قابلیت گسترش:

وقتی یک کسب و کار بتواند خود را تقویت کند سؤال بعدی وارن بافت این خواهد بود که این تقویت تا کجا می تواند گسترش یابد؟ آیا این تقویت فقط برای مرزهای جغرافیائی یک کشور می تواند انجام شود و یا گستره بازار آن بسیار وسیعتر از مرزهای یک کشور خواهد بود؟ جواب این سؤال می تواند محاسبه میزان سود احتمالی سرمایه گذاری بر روی یک شرکت را شفاف تر کند.

قابلیت پیش بینی:

نکته ای که برای وارن بافت در سرمایه گذاری بسیار حائز اهمیت است این است که درآمد حاصله از کسب و کار چقدر قابل پیش بینی است و پارامترهایی که قابل کنترل نیستند و یا تغییر در وضعیت اقتصاد آیا تاثیر زیادی بر درآمد پیش بینی شده خواهد داشت یا نه.

یک کسب و کار وقتی دارای یکپارچگی مالی باشد صرفنظر از اوضاع اقتصادی در حال تغییر ، شانس بهتر و بیشتری برای رشد و سودآور ماندن خواهد داشت.

چگونه می توان قبل از سرمایه گذاری ، یکپارچگی مالی را تشخیص داد؟

پیش از سرمایه گذاری در یک شرکت ، یک سرمایه گذار حرفه ای گزارش مالی آن کسب و کار را مورد بررسی قرار می دهد. (این کار برای هر نوع سرمایه گذاری صادق است. مثلاً برای یک سرمایه گذار در املاک و مستغلات

بررسی اسناد و مدارک ارائه شده و استعلام از مراکز ذیربط و همچنین مطالعات منطقه ای و ... ضروری است. در این بررسی پارامترهای لازم برای یکپارچگی مالی مورد مطالعه قرار می گیرد .

اکثر قریب به اتفاق مردم بدلیل اینکه آموزشهای لازم را برای بررسی صورتهای مالی ندیده اند از تشخیص اینکه یک سرمایه گذاری ارزش ذاتی و یکپارچگی مالی را دارد یا نه عاجزند.

یکی از دلایلی که نقدینگی سرگردان در کشور ما در هر مقطعی بصورت سیل به سمت یک بازار حرکت می کند و موجب ویرانی یک بازار می شود عدم آگاهی مردم نسبت به سرمایه گذاریها و توانائی تحلیل آنها می باشد و بدلیل این عدم توانائیها تابع یکدیگر شده و حرکت برای یک سرمایه گذاری خاص بصورت جمعی انجام می شود.

در این حرکتها سیل آسا بصورت مقطعی تقاضا برای یک کالا زیاد شده و در نتیجه قیمتها افزایش می یابد و بعد با فشارهائی که از سمت دولت وارد می شود و یا اینکه جمع یک بازار جایگزین دیگر پیدا کند، تقاضاها کاهش یافته ولی قیمتها که توسط فعالین آن بازار بالا رفته پائین نمی آید و یا با یک شیب بسیار کم پائین می آید و در نتیجه آن بازار دچار رکود می گردد.

نمونه های زیادی از این نوع حرکت در بازار مسکن و ارز و طلا سراغ داریم.

البته آنچه که در بالا عنوان شد به همراه بسیاری از معلولهای دیگر بعلت برنامه ریزیها و تصمیمات اشتباه اقتصادی است که در کشور ما عمدتا توسط دولتها گرفته شده و در مقاطعی نیز بر اثر سوء استفاده آگاهان بازار و بمنظور سودجوئی انجام شده است.

زبان کسب و کار:

وارن بافت می گوید: ((حسابداری زبان کسب و کار است)). اگر این زبان را بلد نباشید تشخیص اینکه آیا کسب و کاری دارای یکپارچگی مالی هست یا نه کار دشواری می باشد.

آیا دولتها هم باید یکپارچگی مالی داشته باشند؟

دولتها هم نیازمند درآمد بیشتر، محافظت از پول خود، بودجه بندی پول، تقویت پول خود و در جستجوی اطلاعات مالی صحیح هستند. اگر دولت یک کشور یکپارچگی مالی داشته باشد آن کشور از هر لحاظ شکوفا می شود و بر عکس اگر دارای یکپارچگی مالی نباشد مردم آن کشور روز به روز فقیرتر خواهند شد.

واردات بی رویه توسط دولتهائی که دارای یکپارچگی مالی نیستند موجب گسترش فرهنگ مصرف گرایی و در نتیجه افزایش بدهی بجای تقویت پول در فرهنگ عامه مردم می گردد. این امر بیانگر تاثیر نحوه سیاست گزاریهای دولتها و وجود یا عدم وجود یکپارچگی مالی در دولتها و ارتباط آن با زندگی مردم دارد.

سیاست گزاری دولتمردان و ایجاد یکپارچگی مالی پس از جنگ جهانی دوم در ژاپن بود که منجر به شکوفائی ژاپن و تبدیل آن به یکی از بزرگترین قطبهای اقتصادی جهان گردید. همینطور اتفاقی که در چین طی ۲۰ سال گذشته افتاده و این کشور را از یک کشور و انبوه مردم فقیر تبدیل به یک کشور تعیین کننده در اقتصاد جهانی با تراز تجاری مثبت کرده است.

اگر چه باید اذعان داشت که در کشورهائی که دارای اقتصاد به سامان و یکپارچه ای هم نبودند افرادی با آگاهی و دانش و شناخت از قوانین تجارت ملی و بین المللی توانستند به باشگاه ثروتمندان دنیا بپیوندند.

رابرت کیوساکی به تکرار تاریخ اعتقاد دارد. او می گوید کوپرنیک در سال ۱۵۱۷ نوشت تورم یکی از آفت هائی است که نظام پادشاهی را تضعیف می کند. همینطور آدام اسمیت تورم را مخرب ترین فروپاشی بخت افراد می داند. ایجاد تورم نیز خود ناشی از عدم یکپارچگی دولتهاست.

همانگونه که در قسمتهای قبلی گفته شد یکپارچگی مالی با اجرای صحیح هر یک از پنج هوش مالی ایجاد می

گردد و عدم اجرای حتی یک هوش از پنج هوش و یا عدم اجرای صحیح حتی یکی از آنها به یکپارچگی مالی ختم نمی گردد. این قاعده نه فقط برای زندگی شخصی افراد بلکه برای حیات یک دولت نیز صادق است.

یکی از افرادی که در زمان معاصر توانست با ایجاد یکپارچگی مالی موجب تحول عظیمی در کشورش شود ((مهاتیر محمد)) بوده است. او مالزی را از یک کشور فقیر در یک برنامه ۲۰ ساله تبدیل به یکی از قطبهای آموزشی و گردشگری و کسب و کار دنیا کرد و پس از ۲۰ سال به اختیار خود از قدرت در این کشور کناره گیری کرد ولی افق ۲۰۲۰ او و اهداف تعیین شده همچنان در برنامه دولت بعدی مالزی بوده و احتمالا دولتهای بعدی این کشور نیز خواهد بود.

لذا تاثیر تبیین چشم انداز صحیح و اتخاذ سیاستهای صحیح اقتصادی یک دولت و ایجاد یکپارچگی مالی را می توان با بررسی مسیر حرکتی کشورهایی که عنوان شد و یا حتی تایوان که فاقد هرگونه منابع غنی معدنی و ثروتهای طبیعی می باشد ملاحظه کرد.

با توجه به کمبود آگاهیهای مالی و بحرانهای اقتصادی جهانی که احتمالا پرید زمانی کوتاهتری در آینده خواهد داشت و همچنین انگیزه های فردی و اجتماعی برای دستیابی به ثروت ، رابرت کیوساکی پیشنهاد افزایش ((ارزش ذاتی)) را برای افراد دارد .

چگونه ارزش ذاتی خود را افزایش دهیم؟

رابرت کیوساکی برای مقابله با طوفانهای احتمالی در آینده که بدون تردید زندگی تک تک جمعیت جهان را تحت الشعاع قرار می دهد سه توصیه برای افزایش ارزش ذاتی دارد:

۱- قبل از وقوع طوفان، قایق مالی خود را بسازید.

به ۵ هوش مالی خود نگاه کنید و ببینید کدام هوش شما ضعیف است و نیاز به تقویت دارد. بر روی هوش ضعیف خود تمرکز کرده و سعی در تقویت آن داشته باشید. هیچگاه همزمان برای تقویت هوشهای ضعیف خود اقدام نکنید. آنها را یکی یکی مورد توجه قرار دهید.

اگر هوش افزایش درآمدها ضعیف است با توجه به تواناییها و مهارتها و علاقمندیهایتان راهکاری برای کسب درآمد بیشتر پیدا کنید. این کار چنانچه تمرکز خوبی بر موضوع داشته باشید شدنی و راحت تر از آنچه که تصور می کنید خواهد بود.

اگر هوش مالی محافظت از پولتان ضعیف است می توانید با مطالعه مواد قانونی و حقوقی زمینه های فعالیت خود با آگاهی بیشتر به کار خود بپردازید و یا با استفاده از یک وکیل مجرب در کنارتان مسئولیت محافظت از پول خود را به یک قانون دان بسپارید.

به خاطر دارم بدلیل ضعف شدید در این هوش مبلغ هنگفتی از پول خود را از دست دادم و مبلغ زیادی نیز مدت زیادی در اختیارم نبود و پس از این اتفاق تلاش خود را جهت افزایش این هوش در خود انجام دادم.

یادگیری بودجه بندی پول و شناخت راهکارهای تقویت پول و همینطور بهبود بخشیدن اطلاعات مالی سه هوش دیگر از پنجگانه هوشهای مالی هستند که همگی با مطالعه مستمر و هدفمند و یادگیری حاصل می شود .

یادگیری و پیگیری مستمر شرط لازم و کافی برای افزایش هوشهای مالی است. رابرت کیوساکی می گوید: همواره بخاطر داشته باشید که هیچ گلف بازی یک روزه حرفه ای نشده است.

او می گوید: هم زمان با افزایش پنج هوش مالی خود، در حال افزایش یکپارچگی مالی و ارزش ذاتی خود هستید. در این راه چنانچه مسیر را نمی دانید و یا ابهامی دارید از دیگرانی که به حسن نیت و صداقت و علمشان اطمینان دارید کمک بگیرید و خود را بی نیاز از نظرات دیگران ندانید.